اخبار صحنه

روزجهانی تئاتر در دانشگاه

چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت‌ماه دانشگاه تهران میزبان تمامی اساتید و دانشجویان تئاتر است. دکتر مجید سرسنگی مدیر گروه آموزشی هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی دانشگاه تهران درباره برنامه‌های دانشگاه در هفته گرامیداشت روز جهانی تئاتر به سایت ایران‌تئاتر گفت: «مجموع مدیران گروه تئاتر پنج دانشگاه تهران، آزاد اسلامی، سوره، تربیت مدرس و هنر جلسات هماهنگی خاصی برای برنامه‌ریزی مراسم گرامیداشت روز جهانی تئاتر در دانشگاه‌ها تشکیل داده‌اند و تا این لحظه قرار شده که علاوه بر کار مشترکی که در روز سیزدهم و در محل دانشگاه تهران برگزار می‌شود هر دانشگاه نیز برای گرامیداشت این روز برنامه‌های ویژه‌ای ترتیب دهد که از آن جمله اجراهای دانشجویی و نمایش خیابانی در محل دانشگاه‌ها خواهد بود.» این استاد دانشگاه درباره برنامه‌های روز سیزدهم اردیبهشت گفت: «قرار شده مراسمی در دانشگاه تهران برگزار شود که همه گروه‌های نمایش دانشگاه‌ها به صورت متمرکز در آن حضور داشته باشند. در برنامه‌های این روز اجراهای دانشجویی در سطح دانشگاه و به صورت خیابانی و برگزاری کلاس‌های مشترکی که در آن استادان دانشگاه‌های مختلف برای دانشجویان حاضر تدریس خواهند کرد، پیش‌بینی شده است.»

وی ادامه داد: «بخش دیگر برنامه‌های ما برپایی کارگاه‌های آموزشی مانند کارگاه ماسک و گریم و کارگاه ساخت عروسک است. در بعدازظهر این روز نیز برای حسن ختام بزرگداشت، مراسمی در تالار شهید آوینی ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار خواهیم کرد.»

دکتر سرسنگی قرائت بیانیه گروه‌های آموزشی و بیانیه روز جهانی تئاتر و سخنرانی یکی از پیشکسوتان این رشته را از برنامه‌های این مراسم عنوان کرده و افزود: «از هر گروه نمایشی یک استاد و یک دانشجو که در سال تحصیلی گذشته فعالیت موثر دانشگاهی داشته‌اند تقدیر می‌شود.»

سرسنگی درباره همکاری دانشگاه تهران با ستاد هماهنگی در برگزاری هفته گرامیداشت روز جهانی تئاتر خاطر نشان کرد: «اعضای ستاد هماهنگی سعی در کمک به یکدیگر دارند. طرح‌های کلی عنوان شده و هر بخش در حد توانایی خود به اجرای آن یاری می‌رساند. برای مثال قرار شده دانشگاه در زمینه اجرای نمایش‌های خیابانی و فرهنگسراها با شهرداری همکاری کند. در واقع ما آثاری را معرفی خواهیم کرد تا در این هفته در سطح شهر به اجرا در بیایند.»

این استاد دانشگاه در ارزیابی کلی از آنچه در سال گذشته بر تئاتر رفته است، گفت: «خوشبختانه در سال گذشته شاهد توجه بیشتر هنرمندان، مسئولان و سیاستگزاران تئاتر به این هنر بوده‌ایم که باعث شد در سرنوشت بودجه و امکانات آن اتفاقات خوبی بیفتد. به نظر من این روند شروع خوبی داشته و امیدوارم هر سال این توجه به تئاتر به عنوان یک هنر فاخر و اصیل بیش از پیش در جامعه ریشه دوانده و با اقشار جامعه ارتباط برقرار کند.»

وی همگرایی نهادها و سازمان‌هایی که در حوزه تئاتر فعالیت می‌کنند را از دستاوردهای مثبت سال گذشته دانسته و افزود: «برای اولین بار ستادی مرکب از نمایندگان ارگان‌هایی که با تئاتر سر و کار دارند مانند کانون پرورش فکری، انجمن نمایش، حوزه هنری، دانشگاه، مرکز هنرهای نمایشی، شهرداری و غیره برای بزرگداشت روز جهانی تئاتر تشکیل شد. به عقیده من این همگرایی یکی از حلقه‌های مفقوده تئاتر بوده که اگر ادامه پیدا کند با توسعه چشمگیر هنر تئاتر روبه‌رو خواهیم بود.»

این استاد تئاتر چشم‌انداز خود از سال جدید را چنین بیان کرد: «به‌رغم مشکلات بسیار سال خوبی را برای تئاتر کشور پیش‌بینی می‌کنم. برنامه‌ریزی‌ها و اولویت‌های شفاف مرکز هنرهای نمایشی نویدبخش سال خوبی است. البته نتیجه این حرکت منوط به کار جمعی همه دست‌اندرکاران عرصه تئاتر خواهد بود.»

جان دویل در برادوی

نمایش «همراه» اثر «جان دویل» به زودی در تئاتر برادوی به روی صحنه می‌رود. به گزارش گروه هنر ایلنا اجرای مجدد «استفن ساندیم» / «جورج فرث» که هم‌اکنون در سالن «پلی هاوس سین سیناتی» به روی صحنه است، تا ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین) ادامه داشت و از ماه نوامبر (آبان‌ماه) به برادوی می‌آید، البته هنوز نام سالن اجرا در برادوی که میزبان این اثر خواهد بود، اعلام نشده است. نمایش «همراه» نگاهی است غیرمتعارف به عشق و دوستی در جهان پیچیده امروز. این نمایش تصویر پیچیده‌ای است از پنج زوج متاهل که از نقطه‌نظر بابی دوست دوطرفه آنها دیده می‌شود. بابی خود مجرد است و سعی دارد تا نگاهی منصفانه به نقاط مثبت و منفی زندگی مشترک داشته باشد. اجرای ارژینال این نمایش در برادوی که در ۱۹۷۰ در تئاتر «آلوین نیویورک» به روی صحنه رفت، از سوی جوایز انجمن منتقدان نمایشی نیویورک به عنوان بهترین موزیکال انتخاب شد و همچنین شش جایزه تونی از جمله جایزه بهترین موزیکال را دریافت کرد.

لازم به ذکر است، گروه بازیگران برادوی این نمایش هنوز مشخص نشده‌اند، اما به احتمال زیاد عمده آنها همان بازیگران اجرای «سین سیناتی» هستند که از آن جمله می‌توان به «رول اسپارزا» در نقش بابی و مت کسل اشاره کرد. «همراه» ۲۰ مارس (۲۹ اسفند) و زمانی که در «پلی هاوس» به روی صحنه رفت، با نظر مثبت منتقدان مواجه شد.

گفت‌وگو با بازیگران و کارگردان مجموعه تلویزیونی زندگی به شرط خنده

طنزی ساده با شیب کند

هما گویا

مجموعه «زندگی به شرط خنده» هر شب حدود ساعت ۲۱ از شبکه تهران پخش می‌شود. طرح اولیه این مجموعه بعد از «کمربندها را ببندید» با مضمون یک شبکه تلویزیونی و عنوان «به گیرنده‌ها دست نزنید» شکل گرفت و بعدها به دلیل پخش مجموعه طنز «شبکه سه‌ونیم» تغییر کرده و با شکل جدید و عنوان «زندگی به شرط خنده» به روی آنتن می‌رود. «زندگی به شرط خنده» داستان آدم‌هایی است که هر یک می‌خواهند کسی باشند که نمی‌توانند، سرایداری که سال‌ها از خانه‌ای نگهداری می‌کند اما صاحب آن خانه نیست، پسری که عاشق بازیگری است اما در این زمینه استعدادی ندارد و یا جوانی که می‌خواهد یک آتش‌نشان خوب باشد اما او را در این کار نمی‌پذیرند.

عکس: میلاد پناهی، شرق

■■■

■آقای مظلومی شما در صحبت‌هایی که قبلاً در مورد «زندگی به شرط خنده» داشتید به چهار مورد به عنوان هدف اشاره کرده بودید؛ سوژه‌ها دستمالی شده نباشد، به طنز خانوادگی تبدیل نشود، از هجو و لودگی دور باشد و شخصیت‌ها به تیپ تبدیل نشوند، در این مورد بیشتر توضیح بدهید.

مظلومی: ما وقتی که یک کار را شروع می‌کنیم برای اینکه هدفمند حرکت کرده باشیم اول یکسری اصول را برای خودمان تعریف می‌کنیم و در صحبت‌های اولیه‌ای که با گروه داریم پایه‌ها مطرح شده و با یک حرکت یک‌سویه و هماهنگ به سمت هدفی مشترک حرکت می‌کنیم. مهمترین اصل برای من مشخص بودن این پایه‌ها است، حال اینکه تا چه حد بتوانیم به آن هدف نزدیک شویم بحثی است سوای اعتقادی که به این هدف و حرکت به سمت آن داریم. خیلی وقت‌ها ممکن است ما فکر کنیم این مسیر و این هدف درست بوده و در جهت آن هم قرار بگیریم اما با توجه به بضاعت و شرایط موجود که خیلی هم دخیل است نتوانیم به راحتی این مسیر را طی کنیم. دغدغه فکری من این است که مبادا این هدف در مسیر گم شود و یا به بیراهه برود چرا که تلویزیون یک رسانه ملی است و در فرهنگ‌سازی نقش عمده‌ای دارد. هدف ما این بود که برای پرداختن به مسائل جدی آنها را به سخره نگیریم، شخصیت‌هایی را بیافرینیم که باورپذیر باشند و شخصیت‌ها را به سمت تیپ سوق ندهیم. منظور من از لودگی هم به همین ترتیب است و عقیده دارم اگر ما بتوانیم در یک مقطع مسئله جدی‌ای را با زبان شیرین بیان کنیم و با طنازی به نقد آن بپردازیم بهتر از آن است که بخواهیم آن را به سمت لودگی و هجو بکشانیم.

■شما طنز را از دیدگاه شخصی چگونه تعریف می‌کنید؟

مظلومی: به نظر من طنز یعنی بیان مسائل، مشکلات و روابط اجتماعی با یک زبان شیرین و نیش‌دار که بتواند مخاطب را به تفکر وادارد نه اینکه در لحظه او را بخنداند و خیلی زود از ذهنش پاک شود. موارد دیگر بیشتر یک کار فکاهی است تا طنز. حتی می‌توان نام آن را لطیفه گذاشت اما طنز باید تاثیرگذار و تاثیرپذیر باشد.

■در حالی که تاکنون حدود یک سوم از کار روی آنتن رفته اما هنوز به چالش نیفتاده و به عبارت دیگر هنوز برای مخاطب باورپذیر نشده است. چرا؟

مظلومی: البته اگر بتوانیم اسمش را چالش بگذاریم. معمولاً زمانی یک کار به چالش می‌افتد که یک سوژه خیلی تند را انتخاب کنید و به آن بپردازید و از طریق این تریبون در مورد مسئله‌ای که مردم با آن درگیر هستند صحبت کنید اما ما می‌خواهیم یک کار ساده و سالم داشته باشیم که خود، روندش را طی کند و خیلی فراز و نشیب تند نداشته باشد و تا جایی که من می‌دانم و پیگیر هستم این کار بازتاب منفی‌ای نداشته که دال بر عدم رضایت مخاطب باشد و به زودی اتفاق‌هایی می‌افتد که این کار را جذاب‌تر هم خواهد کرد.

■اما من فکر می‌کنم مشکل اصلی این کار این است که داستان اصلی آن کشمکش لازم را ندارد و روندی که باید در متن قرار بگیرد در حاشیه است در حالی که در یک کار روتین که به صورت آیتم‌های مجزا نیست و داستان در یک مسیر خاص حرکت می‌کند باید دغدغه‌ها روی محور اصلی داستان پیاده شود و موضوعات جانبی حکم چاشنی را داشته باشد اما تم داستان اصلی شما گم شده در حالی که سوژه بسیار خوبی دارد، آدم‌هایی که بین بضاعت و آرمانشان کیلومترها فاصله است.

مظلومی: بله من حرف شما را قبول دارم، من فکر می‌کنم علت آن این باشد که ما سعی کردیم در وهله اول یک سری کاراکترهای جذاب داشته باشیم، شخصیت‌هایی که مخاطب دوست‌شان داشته باشد و بعد به روابط آنها بپردازیم تا به این ترتیب وقتی که به مسائل مهم و جدی برسیم می‌تواند تاثیر بهتری داشته باشد. در حقیقت این قسمت‌هایی که تا به حال پخش شده زمینه‌چینی‌ای است برای رسیدن به اوج داستان.

■شما فکر نمی‌کنید این زمینه‌چینی کمی طولانی شده و مقدمه طولانی گاهی می‌تواند موجب دلسردی مخاطب شود؟

مظلومی: نه فکر نمی‌کنم. طبق تجربه‌ای که داشتم یک حرکت رو به رشد با شیب کند بهتر از جهش با یک شیب تند که معمولاً جمع کردنش هم مشکل است جواب می‌دهد. شیب تند بالاخره یک جایی نفس‌گیر می‌شود.

■طنز تلویزیونی در ایران طی چند سال اخیر دستخوش تحولات زیادی شده، شاید قبل از این نام یک کارگردان برای یک کار طنز حکم شناسنامه را داشت و یا بهتر بگویم تضمینی بود برای یک کار. مثلاً این کار مهران مدیری است و یا این کار مهدی مظلومی است، پس حتماً موفق است. اما حالا دیگر این‌طور نیست نه تنها مردم مشکل پسند شده‌اند بلکه کلاه هم سرشان نمی‌رود یعنی با هیچ تبلیغی نمی‌توان چیزی را به آنها القا کرد کما اینکه بودند کارهای طنزی که در موردشان خوب تبلیغ شد و کاملاً حمایت شدند اما باز هم مردم نشان دادند راضی نیستند و یا لااقل انتظار بیشتری دارند و این کار شما را سخت می‌کند. الان یک گروه که در یک پروژه روتین کار می‌کنند می‌دانند مخاطب مثل گذشته اهل مدارا نیست و گاهی با کوچکترین دلسردی اجازه جبران را به برنامه نمی‌دهد.

مظلومی: بله همین‌طور است، مردم بی‌حوصله شده‌اند.

■ از نظر شما فرق بین خشایار مستوفی در «زیر آسمان شهر ۱» و «زندگی به شرط خنده» چیست؟

مظلومی: قطعاً این سئوال را آقای لولایی بهتر می‌توانند پاسخ بدهند ولی به هر حال از آنجا که در «زیر آسمان شهر ۱» تحت عنوان کارگردان تلویزیونی و تدوین‌گر با ایشان کار می‌کردم همیشه افسوس می‌خوردم که چرا کاراکتری به این محبوبی ابعاد گسترده‌تری ندارد و حالا سعی می‌کنیم این اتفاق بیفتد و خشایار مستوفی صرفاً یک آدم خبیث که با توطئه دنبال منافع خودش است نباشد.

■خشایار زیر آسمان شهر هم آدم خبیثی نبود. به نظر من یک آدمی بود مثل خیلی از آدم‌ها با این تفاوت که آن‌قدر زرنگ نبود تا بتواند چهره واقعی خودش را پنهان کند، یعنی در حقیقت خشایار همان خشایار است اما شما به جنبه‌های مثبت شخصیت او بیشتر بها داده‌اید.

مظلومی: بله همین‌طور است. من نمی‌خواستم اثر خشایار بر روی بچه‌ها فقط «میزنم تو مخت» باشد، می‌خواستم آنها نکات مثبتی از این شخصیت که مورد علاقه‌شان هست را پیدا کنند. در «زیر آسمان شهر ۱» ما خلوت خشایار را با خودش نمی‌دیدیم اما اینجا می‌توانیم خلوت او را با خودش، با وجدانش و با کسانی که به او وابسته هستند ببینیم. پیشنهاد این کاراکتر از خود آقای لولایی بود و من از آن استقبال کردم چون این شخصیت را خود ایشان ساخته بود و هنوز هم جا برای پرداختن به آن داشت.

■رابطه بین خشایار مستوفی و فولاد در «زیر آسمان شهر ۱» بسیار باورپذیر و یکی از نقاط قوت این سریال بود و زمانی که نقش فولاد از یوسف تیموری به مجید صالحی داده شد حتی اگر این شخصیت حذف شده بود بهتر از این جایگزینی نبود. بازی یوسف تیموری و حمید لولایی در کنار هم و به عنوان پدر و پسر بسیار باورپذیر است، چرا در کار فعلی شما با وجودی که خشایار مستوفی را دارید که هم سرایدار است و هم یک پسر دارد با توجه به آنکه یوسف تیموری هم در این کار حضور دارد از ایشان به عنوان پسر خشایار استفاده نکردید؟ سوای اینکه فکر می‌کنم هم یوسف تیموری به عشق سینما بودن نزدیک‌تر است و هم رضا داوودنژاد از نظر فیزیکی نمی‌تواند آتش‌نشان خوبی باشد.

مظلومی: بیشتر به این خاطر بود که می‌خواستیم به دام تکرار نیفتیم.

■اما این تکرار نیست. شخصیت خشایار و فولاد آن‌قدر در هم حل شده بود که بودن فولاد کنار خشایار باری از نظر تکرار به روی کار شما نمی‌گذاشت چرا که شما یک شخصیت تکرار شده دیگر در کار داشتید. من فکر می‌کنم رابطه این پدر و پسر می‌توانست برای جوان‌ها آموزنده باشد. مخاطب از سیلی زدن خشایار لذت نمی‌برد اما حالت چهره فولاد زمانی که از دست زحمتکش پدر سیلی می‌خورد بسیار تاثیرگذار بود. به هر حال این نظر شخصی من است. سئوال بعدی من این است که منظور از طنز موقعیت چیست؟

مظلومی: اصولاً طنز موقعیت مفهوم نادرستی است چرا که موقعیت باعث ایجاد کمدی می‌شود که کمدی از طنز کاملاً جدا است. اما در کمدی موقعیت خنده براساس موقعیتی است که ناخواسته ایجاد شده و عکس‌العمل‌هایی که از شخص در مواجهه با این موقعیت پیش می‌آید معمولاً هم غلط و نابجا است و گاهی تبدیل به عکس‌العمل کلامی می‌شود که به نادرست آن را طنز موقعیت می‌نامند و معمولاً بار مطلوبیت کمدی موقعیت بیشتر به دوش خود بازیگر است که چگونه بتواند از آن بهره‌برداری کند.

■نوع کار در یک طنز ۹۰ قسمتی با یک سریال تلویزیونی چه تفاوت‌هایی دارد؟

مظلومی: در یک سریال تلویزیونی اول و آخر داستان و نوع کار مشخص است و عوامل فرصت دارند تا آن چیزی را که مدنظرشان است پیاده و مثلاً در ۱۳ یا ۲۶ قسمت جمع کنند. اما در طنز ۹۰ قسمتی این‌گونه نیست، یک ایده کلی وجود دارد، چند قسمت اول ساخته می‌شود و بقیه کار به صورت فشرده و در حین پخش به روز ساخته می‌شود به همین دلیل گاهی مجبور می‌شویم از یک چیزهایی بگذریم و یا چیزهایی را جایگزین کنیم تا به اصل ماجرا برسیم.

■■■

■خانم ولدبیگی، در این کار کمی خسته به نظر می‌رسید. منظور من این نیست که بازی‌تان با کارهای قبلی متفاوت است اما به نظر دلواپس می‌آیید دلیل آن چیست؟ البته این را هم اضافه کنم این احساس عدم امنیت نه تنها در چهره شما بلکه در چهره سایر بازیگران زن کارهای طنز مشهود است.

ولدبیگی: من تمام توانم را برای این کار گذاشته‌ام و سعی می‌کنم کارم را به نحو خوبی اجرا کنم ولی در مورد دلخوری همین‌طور است، در ایران یک بازیگر زن در کار طنز تلویزیونی نمی‌تواند مثل یک بازیگر مرد توانایی‌های خود را نشان دهد و هر حرکتی مورد اعتراض شبکه قرار می‌گیرد، حتی اگر دست‌هایمان را زیاد تکان بدهیم می‌گویند حالت رقص پیدا کرده است. مثلاً در همین قسمت قبل که در توچال فیلمبرداری شد من یک صحنه زمین خوردن داشتم اما موقع پخش این قسمت حذف شد. خب مسلم است این موجب دلسردی من می‌شود وقتی که می‌دانی این پتانسیل را داری تا کار بهتری ارائه دهی اما نمی‌توانی. وقتی من نمی‌توانم به عنوان یک زن با همسرم صمیمانه صحبت کنم مسلماً این از جذابیت کار می‌کاهد و برای مخاطب باورپذیر نیست. آقای مظلومی هم به شخصه خیلی در این مورد سخت‌گیر هستند و مرتب به من گوشزد می‌کنند آرام باشم و بالا و پایین نپرم. این موجب شده از بازی خودم فاصله بگیرم و از این جهت خیلی آزار می‌بینم.

■یعنی آقای مظلومی خیلی محافظه‌کار هستند؟

مظلومی: نه این‌طور نیست. الان محدودیت در مورد این مسائل خیلی بیشتر شده است. در گذشته فضا خیلی بازتر بود، چه در ارتباط با نوع رفتار خانم‌ها و چه در رابطه با نوع پوشش آنها اما حالا سازمان سختگیرانه‌تر برخورد می‌کند به خصوص در رابطه با برنامه‌های طنز. گاهی اتفاق می‌افتد به خاطر موارد خیلی جزیی حتی یک سکانس را حذف می‌کنند که این به کل داستان لطمه می‌زند. اگر من سختگیری می‌کنم به این خاطر است که زحمت گروه به هدر نرود.

■یعنی این حذف کردن‌ها بدون هماهنگی با شما انجام می‌شود؟

مظلومی: متاسفانه بله.

■آیا مخاطب شما هم در این رابطه اعتراضی دارد؟

ولدبیگی: ما به طور معمول با مردم برخورد داریم، موردی برای اعتراض آنها نبوده من فکر می‌کنم این بیشتر سیاست خود سازمان باشد.

■خانم ولدبیگی در این جمع شما تنها کسی هستید که هم با مهران مدیری و هم مهدی مظلومی در طنز ۹۰ قسمتی کار کرده‌اید تا چه اندازه کار با این دو کارگردان متفاوت است؟

ولدبیگی: خیلی زیاد. در حقیقت ۱۸۰ درجه مخالف هم هستند اما کار با هر یک از این دو لذت خاص خودش را دارد. من خودم دوست دارم با گروه‌های مختلف کار کنم چرا که در کارهای جدید و در کنار شخصیت‌های جدید می‌توانم چیزهای جدیدی یاد بگیرم و این در سیر تکاملی بازی من موثر خواهد بود.

■شما و جواد رضویان در کنار مهران مدیری تنها بر روی‌های «پاورچین» بودید اما هیچ یک در «شب‌های برره» حضور نداشتید و جای خالی شما در این کار کاملاً مشهود بود. علت عدم حضور شما چه بود؟

ولدبیگی: در مورد جواد رضویان نمی‌دانم، اما من در آن زمان مشغول یک کار سینمایی بودم.

■آقای صادقی، من تا به حال از شما گفت‌وگویی ندیدم که در آن به سئوالی پاسخ داده باشید و معمولاً در آخر نه چیزی دستگیر مصاحبه‌گر می‌شود و نه مخاطب. به همین دلیل صحبتم را با شما این طور آغاز می‌کنم؛ در رابطه با خودتان و حضورتان در «زندگی به شرط خنده» صحبت خاصی ندارید؟

صادقی: نه حرف خاصی ندارم، در این پروژه کار می‌کنم اما راضی نیستم نه از این کار و یا از اینکه در این جمع هستم بلکه از جوی که بر کارهای تلویزیونی حکمفرما است مکدرم. دوست داشتم به خاطر علاقم در این زمینه فعالیت کنم اما حال صرفاً به عنوان یک شغل که زندگی‌ام را تامین می‌کند به کار تلویزیونی نگاه می‌کنم چرا که در این زمینه هیچ چیزی برای دلگرمی وجود ندارد.

■البته من این صحبت شما را به حساب دلخوری‌تان می‌گذارم چرا که الان یک چهره پرطرفدار تلویزیونی بودن راه را برای خیلی از بیزینس‌های پردرآمد باز کرده است پس حتماً یک کششی شما را در این حرفه ماندگار کرده است. شما از کدام کارتان بیشتر لذت برده‌اید؟

صادقی: من معمولاً بیشترین لذت را زمانی می‌برم که در منزل هستم. اما در مورد کارهایم همه را دوست دارم و با وجود اینکه به کارهایم به عنوان شغل و کسب درآمد نگاه می‌کنم اما هیچ وقت تا کاری را نپسندم صرفاً به دلیل مالی آن را قبول نمی‌کنم.

■آقای خشایار راد می‌خواهیم با شما و نقش‌تان در «زندگی به شرط خنده» بیشتر آشنا شویم.

خشایار راد: من در اینجا نقش آقای قرتاس همسایه‌ای را بازی می‌کنم که یک سری مشاعات با این خانه دارد که بالطبع کشمکش‌هایی هم بر سر تصاحب آن وجود دارد. من آدم گوشه‌گیری هستم که به شکار علاقه دارم و با ورود دخترم آرزو به این کار کم‌کم نقش من هم بیشتر جا می‌افتد.

■نقش دختر شما را بهنوش بختیاری بازی می‌کند؟

راد: بله، ایشان بازی می‌کنند که امروز اینجا حضور ندارند.

■بیشتر با شما آشنا شویم.

راد: من کارم را با آقای مجید افشار از تئاتر شروع کردم. هم نقش جدی داشتم و هم نقش طنز اما کاری که از من مطرح شد جزیره اسرارآمیز در جشنواره پنجم بود که نقشی کاملاً جدی داشتم و به عنوان بهترین بازیگر برگزیده شدم. بعد از آن چند تا کار طنز با آقای عطاران در تئاتر داشتم و به وسیله ایشان با «قطار ابدی» وارد کار طنز تلویزیونی شدم و بعد هم «خانه به دوش» و «متهم گریخت» و «کوچه اقاقیا» و حالا هم اینجا هستم.

■آقای یوسف تیموری من با تیپ‌سازی اصلاً مخالف نیستم. مثلاً بازی جری لوئیس یک تیپ بود و در هر داستان جدیدی با همان تیپ ظاهر می‌شد، اما شما در کارهای جدی هم با همان تیپی هستید که در کار طنز بازی می‌کنید، آیا این خواسته خود شما است یا کارگردان شما را با این تیپ می‌خواهد؟

تیموری: البته همیشه این طور نیست اما اگر هم این طور باشد این نظر و سلیقه خود کارگردان است. مثلاً در «سایه آفتاب» که یک کار جدی بود و من با گریمی متفاوت در آن ظاهر شدم باز هم از من خواسته شده بود که شیرینی خاصی داشته باشم و از طرفی هم وقتی یک تیپ بین مردم جا می‌افتد و مردم آن را دوست دارند به نظر من هیچ اشکالی ندارد که ماندگار بشود.

■شما کار سینمایی هم داشتید؟

تیموری: من تا به حال چهار کار سینمایی داشتم آخرین آنها با نام «دختر میلیونر» هنوز اکران نشده است. اما تیپ کار من در کارهای روتین که نفس به نفس با تماشاگر همراه است بهتر جواب می‌دهد.

■الان از این کار راضی هستید، خوشحال به خانه می‌روید یا مثل آقای صادقی می‌روید خانه تا خوشحال شوید؟

تیموری: بله این کار را خیلی دوست دارم و از آن لذت می‌برم. یوسف تیموری متولد ۱۳۵۸ تهران کارش را با هوای تازه (محمد رحمانیان) آغاز کرده و با مجید دلبند، قطار ابدی، زیر آسمان شهر ۱ و کوچه اقاقیا به محبوبیت بیشتری رسیده است. او در کارنامه خود دو سریال به نام‌های سایه آفتاب و برای آخرین بار دارد و سینمایی «بوتیک» از کارهای خوب او است.

■حالا من سئوالی را که از آقای مظلومی داشتم از بقیه هم می‌پرسم؛ فکر می‌کنید چرا هنوز این برنامه جای خودش را بین مردم باز نکرده است، با توجه به اینکه از این خوش‌شانسی برخوردار است که در حال حاضر رقیبی هم در شبکه‌های دیگر ندارد؟

ولدبیگی: فکر می‌کنم یکی از دلایلش این باشد که در ایام تعطیلات نوروزی به قدری فشردگی در برنامه‌های تلویزیون زیاد بود که بین مردم و این برنامه فاصله افتاد. مثلاً اینکه انتظار داشته باشیم بیننده سینمایی خانم و آقای اسمیت را با بازی براد پیت و آنجلینا جولی بگذارد و «زندگی به شرط خنده» را نگاه کند پرتوقعی است.

تیموری: این کار کم‌کم خیلی بهتر خواهد شد، نویسنده‌های خوبی به جمع ما اضافه می‌شوند مثل آقای آریان و آقای فاضلی (پشت کنکوری‌ها، یادداشت‌های کودکی). در گذشته تعداد نویسندگان گاه از پرسوناژها هم سبقت می‌گرفت و این باعث سردرگمی می‌شد. اما حالا این مشکل حل شده و به زودی کارها بهتر ارائه می‌شود.

■آقای مظلومی، زمانی که از چند نویسنده استفاده می‌کنید آیا هر کدام در ژانر خاصی می‌نویسند؟

مظلومی: نه هر کدام از نویسنده‌ها در هر زمینه‌ای که باشد مطلب می‌نویسند و ما انتخاب می‌کنیم که به زودی این کار به سرپرست نویسندگان واگذار خواهد شد.

■سئوال آخر: تا اینجا شما تحمل کردید و به سئوال‌های من پاسخ دادید، آیا من می‌توانم به سئوالی از جانب شما پاسخ بدهم؟

ولدبیگی: بله حتماً، البته سئوال که نه اما صحبتی دارم که می‌دانم حرف همه ما است، همه ما به نحوی از مصاحبه و خبرنگار گریزان هستیم چرا که اولاً از حرف‌های ما آن برداشتی را می‌کنند که خودشان دوست دارند، ثانیاً در تنظیم مصاحبه آنقدر حرف‌ها گنگ و بی‌معنی می‌شود که هم خودمان را ناامید می‌کند و هم خواننده را. گاهی هم ما با یک نشریه خاص گفت‌وگو می‌کنیم اما این گفت‌وگو سر از چند نشریه دیگر به خصوص آن نشریه‌هایی که دوست نداریم با آنها در ارتباط باشیم درمی‌آورد، تازه هر بار با شکلی جدید و دورتر از اصل گفت‌وگو.

■در پاسخ باید بگویم این صنف هم مشکلات خاص خودش را دارد که بی‌شباهت به مشکلات شما نیست اما فکر می‌کنم عمده‌ترین مسئله‌ای که موجب فاصله بین جامعه هنرمندان و مطبوعات شده عدم احترام متقابل بین این دو صنف تنگاتنگ است. شما نیز گاهاً عکس‌العمل‌هایی نشان می‌دهید که خبرنگار را دلسرد می‌کند و مسلماً روی کارش تاثیر می‌گذارد اما به شما حق می‌دهم انتظار داشته باشید خبرنگار به صحبت‌های شما وفادار باشد. اما مسئله دومی که مطرح کردید مشکل مطبوعات هم هست چرا که طبق قانون مطبوعات یک گفت‌وگو در صورتی که روی سایت خبری نباشد شامل حقوق انحصار می‌شود که متاسفانه «کپی‌رایت» در ایران جایگاهی ندارد.

طی مصاحبه از تک‌تک ایشان خواستم در مورد بعضی از طنزهای ۹۰ قسمتی به طور جداگانه نظر بدهند به جز علی صادقی که نظر خاصی نداشت همگی «بدون شرح»، «پاورچین»، «زیر آسمان شهر ۱» و «کوچه اقاقیا» را بهترین طنزهای سال‌های اخیر می‌دانستند.

تماشا

«بشین و ببین» در شبکه دو

پخش مجموعه تلویزیونی «بشین و ببین» اوایل اردیبهشت از شبکه دو سیما آغاز می‌شود. مجید اوجی تهیه‌کننده این مجموعه تلویزیونی درباره ادامه روند تولید و پخش آن به خبرنگار تلویزیونی «مهر» گفت: «مرحله تصویربرداری این سریال از ۲۸ اسفند سال گذشته آغاز شد و تاکنون حدود ۲۰ قسمت آن آماده پخش است. این کار از فضای متفاوتی بهره می‌برد و همزمان با پخش سریال، تولید آن نیز ادامه پیدا می‌کند. بر اساس برنامه‌ریزی پخش سریال از اوایل اردیبهشت آغاز می‌شود و تا حدود ۵۰ شب ادامه می‌یابد.» در مجموعه تلویزیونی «بشین و ببین» فردوس کاویانی، جواد عزتی، پریسا گلدوست و بهاره حسینی بازیگران اصلی و کمند امیرسلیمانی، رضا فیاضی، رضا خندان، هایده حائری و برزو ارجمند تعدادی از بازیگران مهمان هستند. همچنین حسین پاکدل طراح، رحمان سیفی آزاد مشاور، افشین اربابی و حسین کیانی کارگردان، بابک بذرافشان و امید رخ‌افروز تصویربرداران، محمد حاتم‌نژاد و حمید گرمابدری صدابرداران، مهرداد شکرابی و نغمه نادری چهره‌پردازان، امید کرامتی آهنگساز، محراب قاسم‌خانی طراح صحنه، مانا حجارپور طراح لباس، فریال اوجی عکاس و روزبه کلباسی تدوین‌گر این سریال هستند. سریال «بشین و ببین» در قالب ۵۰ قسمت ۱۵ دقیقه‌ای به سفارش شبکه دو سیما تولید و پخش می‌شود.

گریه نکن سرزمین من

تصویربرداری سریال «گریه نکن سرزمین من» به کارگردانی امیر قویدل آغاز شد. داستان این سریال درباره فردی به نام حسین است که پس از سقوط رژیم صدام به کشور خود بازمی‌گردد. عبدالصاحب امیری تهیه‌کننده این مجموعه در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون «ایسنا» با اعلام این خبر درباره مراحل تولید «گریه نکن سرزمین من» اظهار کرد: از ۱۵ اسفندماه مقدمات آماده‌سازی لوکیشن آغاز و نوزدهم فروردین‌ماه تصویربرداری شروع شد که پایان خردادماه نیز برای آغاز تدوین این اثر در نظر گرفته شده است. «گریه نکن سرزمین من» در ۱۳ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای، به زبان عربی، برای پخش از شبکه الکوثر آماده می‌شود. برخی از عوامل ساخت آن عبارتند از؛ تصویربردار: رضا مهاجر، صدابردار: حمید دژگام، طراح صحنه: محمد آل‌خمیسه، فیلمنامه اولیه: عبدالصاحب امیری و فیلمنامه نهایی: عبدالهادی صولتی، تدوین‌گر: راما قویدل و بازیگران ایرانی: مریم قشقایی و سودابه علیپور.

مثل همیشه

مجموعه نمایشی «مثل همیشه» به سفارش گروه خانواده شبکه اول سیما در تابستان ۱۳۸۴ تهیه و برای ۴۰ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای توسط سیدوحید حسینی طراحی و تولید شده است. این مجموعه نمایشی با بهره‌گیری از بازیگران پیشکسوت در کنار بازیگران جوان توانست طی یک سال به صورت هفتگی جمعه هر هفته مهمان خانه‌های مخاطبان شبکه اول باشد. «مثل همیشه» که هم‌اکنون نیز قسمت‌های پایانی آن در حال پخش از شبکه اول سیما است با بررسی و ارائه و راهکارهای مناسب در خصوص مسائل خانه و خانواده با استقبال مخاطبان زیادی روبه‌رو شده و با توجه به زمان نامناسب پخش این مجموعه اقشار زیادی از افراد جامعه را با خود همراه کرده و در آموزش و یادگیری مسائل اجتماعی در قالب داستان بسیار موفق عمل کرده است. تولید این مجموعه نمایشی در ۴۰ قسمت و به مدت ۵ ماه به طول انجامیده است و با حضور ۱۴ بازیگر و ساخت دکوری به متراژ هزار متر مربع در نوع خود منحصر به فرد و در مقایسه با دیگر انواع این‌گونه از برنامه‌ها از ویژگی‌های زیادی از جمله توانایی تردد ماشین و موتورسیکلت به صورت واقعی، استفاده از فضای مدرن و سنتی و تقابل این دو در کنار یکدیگر و . . . برخوردار است. تاکنون ۳۴ قسمت از این مجموعه نمایشی پخش شده و هم‌اکنون قسمت‌های پایانی آن با داستان‌های جذاب و آموزنده تا پایان بهار ۱۳۸۵ در کنار شما است. داستان‌های این مجموعه و تاکید مصرانه دکتر حاتمی مدیریت گروه خانواده بر اجتناب از به‌کارگیری کوچک‌ترین و متداول‌ترین کلمات زشت و توهین‌آمیز باعث شده تا این برنامه برای کلیه اعضای خانواده اثرگذار باشد و آنان بتوانند با آسایش خیال در کنار یکدیگر به تماشای این مجموعه بنشینند. مرتضی احمدی، ملکه رنجبر، نادر سلیمانی، رامین ناصرنصیر، شهرزاد جواهری، نیلوفر سجادی، سروین رفیعیان، امیدرضا